

مطالعه ابعاد و مولفه‌های حقوق شهروندی در نهج البلاغه

چکیده

متفکران علوم اجتماعی حقوق شهروندی را یکی از مهمترین شاخص‌های ثبات و امنیت در هر جامعه‌ای می‌دانند. حقوق شهروندی به معنای برخورداری شهروندان یک شهر از یکسری حقوق، مسئولیت‌ها و امتیازات است. از منظر اسلام، جوهره حقوق شهروندی، حفظ کرامت انسانی و ارزش بشر در اجتماع و ترویج اصول مساوات و آزادی در بهره‌برداری از مواهب خدای و ملی است. نهج‌البلاغه یکی از مهمترین متون اسلامی است که مفاهیم و مضامین به کار رفته در آن الگوهای مفیدی را در زمینه حقوق شهروندی در اختیار حکومت‌ها و انسان امروزی قرار می‌دهد. تحقیق حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه، درصدد مطالعه ابعاد و مولفه‌های حقوق شهروندی از منظر امام علی علیه السلام است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مهمترین ابعاد حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه عبارتند از: حقوق اجتماعی شهروندان، حقوق سیاسی شهروندان، حقوق اقتصادی شهروندان، حقوق فرهنگی شهروندان، حقوق معنوی شهروندان و حقوق قضایی شهروندان.

کلیدواژه‌ها: شهروندی، حقوق شهروندی، امام علی (ع)، نهج‌البلاغه

بیان مسئله

اصطلاح حقوق شهروندی (در مفهوم جدید) اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی سال 1789 فرانسه مطرح شد که پس از تصویب در صدر قانون اساسی 1791 قرار گرفت. اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال 1948 در مجمع عمومی ملل متحد به امضای کشورها رسید، در بسیاری موارد خود از محتوای اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه الهام گرفته است. این حقوق از بنیادی ترین حقوق انسان شامل حق زندگی، حق آزادی، زندگی مطلوب و مناسب، حق تعلیم و تربیت و معیشت، حق مشارکت و حق تعیین‌کنندگی، است (کوثری داریانی و همکاران، 1401). مفهوم حقوق شهروندی، به مجموعه حقوقی اطلاق می‌شود که به هر فرد از افراد اجتماع به مناسبت عضویت در جامعه تعلق می‌گیرد و شامل قواعد و قوانینی می‌شود که موقعیت آنها را در جامعه تحت تاثیر قرار می‌دهد (قدیری و همکاران، 1401). حقوق شهروندی از جمله ضروریات اساسی برای زندگی افراد در شهرها است و به طور گسترده‌ای به عدالت و مساوات توجه دارد. در واقع، حقوق شهروندی از مهمترین موضوعات محوری حقوق معاصر است که برخی از محققان پیشینه آن را در اعلامیه استقلال آمریکا و اعلامیه حقوق بشر ردیابی می‌کنند (دبیرنیا و شجاعی، 1400). با این حال، حقوق شهروندی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان مختلفی همچون ارسطو و افلاطون بوده است. دین مبین اسلام نیز یکی از ادیانی است که در زمینه حقوق شهروندی (حق حیات، حق آزادی بیان، حق تعیین سرنوشت، حق برخورداری از امنیت، حق برابری و عدم تبعیض و...) قواعدی را برای زندگی در جامعه مطرح کرده است. مکتب اسلام در تدوین حقوق شهروندی نگاه تعالی جویانه به انسان دارد (خلعتبری لیمایی، حسام الدین و جعفری نسب، 1397). در جامعه اسلامی همه شهروندان از حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردارند و در تمام شئون جامعه و حکومت مشارکت دارند که در این منظور، مفهوم شهروندی حتی به غیر مسلمانان نیز اطلاق می‌شود (شریفی و اسلامی، 1391: 111). از منظر اسلام، جوهره حقوق شهروندی، حفظ کرامت انسانی و ارزش بشر در اجتماع و ترویج اصول مساوات و آزادی در بهره‌برداری از مواهب خدای و ملی و نیز توزین حقوق و مسئولیت‌ها بر اساس شاخصه عدالت در فرایند تعامل شهروندان با یکدیگر و با دولت است، چرا که همه انسان‌ها از حقوق یکسانی برخوردار هستند و در اصل، همه انسان‌ها در گوهر انسانیت، ارزش و حیثیت ذاتی انسانی یکی می‌باشند (عباسی و همکاران، 1395: 15). امروزه حقوق شهروندی از دغدغه‌های اساسی محققان و از موضوعات مهم جوامع مدنی است، با اینکه سابقه تحقیق و مطالعه تاریخی به شکل منسجم امروزی نداشته است اما در تعالیم الهی به ویژه در قرآن کریم، احادیث مأثور و نهج‌البلاغه مورد توجه بوده است (شاهنده، 1401). حقوق شهروندی از مهم ترین عناصر تکوین نظام حقوق عمومی در اسلام است که همواره محل توجه و تدقیق در این نظام حقوقی و سیاسی نیز بوده است (قنبری، 1399). کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه یکی از مهمترین متون اسلامی است که مفاهیم و مضامین به کار رفته در آن الگوهای مفیدی را در زمینه حقوق شهروندی در اختیار حکومت‌ها و انسان امروزی قرار می‌دهد. از سوی دیگر با توجه به تعالیم و متون دینی بر ما روشن است که تشکیل نظام دینی یکی از اهداف انبیاء و امامان (ع) بوده است. بنابراین یکی از راهکارهای مهمی که در حفظ و بقای آن تاثیر بسزایی دارد، عملکرد مطلوب و حل مشکلات جامعه، بر اساس مبانی اصیل اسلامی است. کارکرد حکومت اسلامی و مفاهیم مورد استفاده این نظام، امروزه در منظر جهانیان قرار دارد، از این رو بر همگان از جمله رهبران، نخبگان و آحاد

مردم لازم است تا سعی بلیغ خود را برای موفقیت هر چه بیشتر حکومت اسلامی و اجرای حقوق مورد نظر آن، مبذول دارند. به طور مسلم یکی از راه‌های کارآمدی نظام، بازشناسی مبانی فکری، حقوقی و ارزش‌هایی است که نظام اسلامی از آن ناشی شده تا بتوان با الگوبرداری صحیح و متناسب با زمان، نظام اسلامی را در جهان گسترش داده و حکومت حضرت علی (ع) را یک الگوی تمام عیار برای تمامی عدالت‌پیشگان و آزادگان عالم معرفی نمود. همچنین در این زمینه، نظام جمهوری اسلامی ایران نیز بیش از هر زمان دیگر نیاز به استفاده کامل از این الگو دارد که این استفاده مبتنی بر شناخت درست مبانی، اصول، روش‌ها و حقوق در حکومت اسلامی و من جمله از زبان حضرت علی (ع) در نهج البلاغه است که از جمله حقوق مهم و قابل توجه در این راستا، مفهوم و حقوق شهروندی از دیدگاه آن حضرت می‌باشد (عربی‌فر، 1389: 72). لذا پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این پرسش است که ابعاد و مولفه‌های حقوق شهروندی در نهج البلاغه کدامند؟

مبانی نظری

حقوق شهروندی و ابعاد آن

با گسترش شهرنشینی و ازدیاد جمعیت شهری، ورود تکنولوژی و وضع مقررات و قوانین در اجتماع بزرگ انسانی جهت حفظ نظم و برقراری امنیت، مفاهیمی چون شهروندی و حقوق شهروندی تولد یافتند و اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم به مطالعه و گسترش این مفاهیم شهری پرداختند. به طوری که مفهوم شهروندی اگر چه دارای یک تاریخ طولانی است، اما هنوز هم مبهم و مسئله‌دار است (Joppke, 'Isin & Turner, 2002). یونگ استدلال می‌کند که شهروندی در حقیقت مجموعه‌ای از ارتباطات عمومی بین مردمی است که می‌خواهند از حالت طبیعت یعنی حالتی که زندگی به صورتی منزوی، فقیرانه، به دور از پاکیزگی و حیوانی جریان دارد، اجتناب ورزند. از این رو، شهروندی نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقای رفاه و امنیت در سطح جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند (رمضان مقدم و اجاری و جانی‌پور، 1396: 37).

از نگاه ترنر شهروندی مجموعه حقوق، وظایف و مسئولیت‌هایی است که به افراد هویت قانونی و رسمی اعطا می‌کند؛ برخلاف تفکرات فلسفی و سیاسی، شهروندی از منظر جامعه‌شناسی به نهادهایی که در جامعه تجسم یافته است و حقوق و وظایف به افراد اعطا می‌کند، توجه می‌شود (شارع‌پور و شعبانی، 1395: 37). از نگاه ترنر، وقتی حقوق قانونی و تعهدات به عنوان موقعیت رسمی، نهادینه می‌شود، استحقاق رسمی برای منابع کمیاب در جامعه را به مردم اعطا می‌کند؛ شهروندی نیز بر دسترسی افراد و گروه‌ها به منابع کمیاب در جامعه نظارت می‌کند (شیانی، 1381: 65). به عبارتی دیگر می‌توان گفت، ترنر شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و وظایف قانونی و رسمی می‌داند که برای یک جامعه معین تعریف شده و در آن شهروند مدعی برخورداری از منابع ملی می‌شود (هزارجریبی و امانیان، 1390: 10). مارشال نیز شهروندی را پایگاهی اعطا شده به افرادی می‌داند که عضو تمام عیار یک جامعه‌اند و مطابق حقوق و وظایف مرتبط با این پایگاه با هم برابرند (مارشال، 1964: 17؛ محمدی فر و همکاران، 1396).

در مجموع، می‌توان گفت که شهروندی مجموعه‌ای از ارتباطات عمده بین مردمی است که می‌خواهند از حالت طبیعت یعنی حالتی از زندگی به صورت منزوی، فقیرانه، بدور از پاکیزگی و به صورت حیوانی جریان دارد، اجتناب ورزند. از این رو، شهروندی نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقای رفاه و امنیت در سطح جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه رفتار کنند تا به این هدف برسند (وزیری و جهانی، 1385). در واقع، شهروندی به عنوان یک پایگاه و نقش اجتماعی مدرن و فراگیر، مجموعه‌ای به هم پیوسته از حقوق و وظایف برابر همگانی، ناظر بر احساس تعلق اجتماعی به جامعه و موثر در مشارکت همگانی، به همراه برخورداری عادلانه و منصفانه تمام اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازهای فارغ از تعلقات نژادی، قومی، طبقاتی، فرهنگی و مذهبی است (مسکویکان و همکاران، 1401: 3650). در این راستا، موضوع حقوق شهروندی نیز روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن است. در واقع یکی از جنبه‌های حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌هایی که شهروندان در قبال یکدیگر بر عهده دارند (آراسته و همکاران، 1389: 2).

به عقیده مارشال شهروندی به سه بعد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی تقسیم می‌شود. حقوق مدنی که برای آزادی‌های شخصی ضروری است و شامل مواردی چون آزادی بیان، عقیده، تفکر، حق مالکیت اموال و حق دادرسی یکسان در برابر قانون می‌باشد. حقوق سیاسی که شامل حق مشارکت در قدرت و تصمیم‌گیری سیاسی و حق رأی است. حقوق اجتماعی، این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهرمنند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود و این حقوق شامل حقوقی مانند مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل دستمزد است (مارشال، 1994: 17).

کاستلز و دیویدسون در تعریف حقوق شهروندی ضمن اشاره به تعریف سه بعدی مارشال از حقوق شهروندی، از انواع دیگر حقوق از جمله حقوق فرهنگی نیز صحبت می کنند و معتقدند شهروندی متشکل از چهار نوع حقوق است از جمله:

- 1) حقوق مدنی که شامل آزادی و مصونیت از تعرض به اشخاص، آزادی بیان، آزادی مذهب، حمایت از شخص در برابر اقدامات غیرقانونی دولت همچون حبس یا کار اجباری، برابری در مقابل قانون، ممنوعیت تبعیض براساس جنس، نژاد، زبان و عقیده است.
- 2) حقوق سیاسی برای مشارکت فعالانه در فرایندهای دموکراتیک ضروری است.
- 3) حقوق اجتماعی شامل حق کار کردن، برابری در فرصت ها (آموزش، بازار کار و...)، استحقاق بهره‌مندی از خدمات بهداشتی، رفاهی، آموزشی و...
- 4) حقوق فرهنگی نیز طیف گسترده‌ای از حقوق است که احترام به تنوع فرهنگی شهروندان، توجه به عامه مردم، مشارکت در فرهنگ عمومی جامعه و داشتن فرصت برای تغییر آن، حق آموزش و حق انسان برای دستیابی به فرهنگ در تمام ابعاد را دربرمی گیرد (کاستلز و دیویدسون، 1382: 228).

حقوق شهروندی از منظر اسلام

حقوق شهروندی از ضروریات جامعه انسانی است و حکومت ها نیز براساس میانی انسان شناختی خود درباره آن سیاستگذاری می کنند (جعفری نسب و خلعتبری لیمایی، 1398؛ Ernst Hirsch Ballin, 2014). در دین اسلام به حقوق شهروندی تاکید بسیاری شده است و حتی آیات صریحی نیز در خصوص مولفه‌های حقوق شهروندی وجود دارد. همچنین در قرآن کریم با آیاتی رو به رو می‌شویم که ما را به همکاری در کار خیر و عدم تعاون بر گناه و زشتی‌ها سفارش می‌کند که نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه مشارکت جمعی در سرنوشت جامعه است (شریفی و اسلامی، 1391: 111). از جمله مصادیق حقوق شهروندی در دین اسلام توجه به منزلت و کرامت همه انسان‌هاست و آن چه موجب برتری یک انسان بر دیگری می‌شود، تنها تقوا است. یعنی چگونگی عمل و رفتار آدمی است که موجب کسب فضیلتی افزون بر دیگری می‌شود؛ نه مظاهر دیگر آفرینش از قبیل رنگ پوست، نژاد، قومیت و غیره. بنابراین همه انسان‌ها از حقوق یکسانی برخوردار هستند (کاوسی و نابی، 1394: 93). از دیگر مصادیق حقوق شهروندی در اسلام، آزادی عقیده و مذهب است. مطابق آیات قرآن، پیامبر اگر (ص) مامور ابلاغ احکام، آداب و عقاید اسلامی بودند؛ در آیه 99 سوره مائده بیان شده است: «بر پیامبر، جز ابلاغ (احکام الهی) نیست و خداوند، آن چه را آشکار یا کتمان می‌کنید می‌داند». بر این اساس هر کس حق دارد هر دین و آیینی را بپذیرد، ولی باید در قیامت پاسخگوی عدم پذیرش دین حق باشد. از دیگر مصادیق حقوق شهروندی، حق مسکن و امنیت زندگی خصوصی است؛ مسکن تنها محل سکونت و آرامش اشخاص و اعضای خانواده آنها نیست، بلکه علاوه بر آن محلی کاملاً خصوصی و به عبارتی حریم خصوصی محسوب می‌شود و از آنجا که مسکن محل آرامش و خلوت‌گاه اشخاص است، باید از هر گونه تعرضی مصون باشد. همچنین از سایر مصادیق حقوق شهروندی در اسلام می‌توان به تامین امنیت شهروندان در زمینه‌های مختلف مالی، جانی، کاری، حقوقی و شخصی اشاره نمود. در آیات متعدد قرآن از ظلم و تعدی به هر صورتی که باشد نهی شده است. اسلام این حق را نه تنها برای شهروندان حکومت اسلامی بلکه برای همه موجودات و انسان‌های دیگر نیز محترم شمرده است. علاوه بر این، اصلی‌ترین مولفه‌های حقوق شهروندی در قرآن کریم آزادی، حق حیات، برابری، برابری و عدالت، آزادی عقیده و نفی اکراه در دین هستند (خزائی و مرادخانی، 1394: 83). احمدپور (1387) در مطالعه‌ای با عنوان «درآمدی بر میانی حقوق شهروندی در اسلام»، بر این باور است که میانی حقوق شهروندی در اسلام از دو زاویه شهروندان و دولت قابل طرح است که از جهت نخست کرامت انسان، فطرت خداجوی وی، دارا بودن دو جنبه فردی و اجتماعی از میانی شناسایی و تعیین حقوق شهروندی در اندیشه اسلامی محسوب می‌شوند. از چشم‌انداز حکومت اسلامی، ماهیت خدمتگزاری دولت اسلامی، اصل عدالت و اصل رضایت عموم مردم از جمله میانی دیگر ضرورت حقوق شهروندی در جامعه و حکومت اسلامی است. در سیره سیاسی اجتماعی معصومان (ع) نیز اهتمام به حقوق مردم و افراد جامعه بسیار زیاد بوده است. این امر، مبتنی بر تکریم دیگران و حفظ حرمت و حقوق آنها بود. در سیره مبارک پیامبر گرامی اسلام (ص) در موارد مختلفی چنین حقوقی برجسته شده است. آن حضرت همواره همراه تکریم، با دیگران برخورد کرده و مسلمانان را به اکرام دیگران فرا می‌خوانده است. آن بزرگوار در توصیه‌ای می‌فرماید: «هر کس برادر خویش را گرامی دارد، خدا را گرامی داشته است» (بهر روز لک، 1387). در شریعت اسلام از مسلمانان به عنوان شهروندان یک جامعه مبتنی بر آموزه‌های اسلامی خواسته شده همیشه در کارها به یاد خدا باشند و در کارهایشان انگیزه قریبه‌الی ... را حفظ کنند. مهمترین تجلی همین باور اعتقادی و قلبی، ضمانت اجرای درونی است که در صورت وجود، از هر نوع ضمانت اجرای بیرونی قوی‌تر و تأثیرگذارتر است و مسئولان نیز باید زمینه بروز آن را در جامعه بیش

از پیش فراهم کنند. مسئولیت تک تک شهروندان مسلمان نسبت به مصالح عموم و فرد فرد همشهریان خود، کانونی‌ترین نقش را در تعریف و تحقق مفهوم شهروندی دارد و اسلام این معنا را با تاکید بر مفهوم «ولایت» متقابل شهروندان بر یکدیگر مورد تنفیذ قرار داده، به گونه‌ای که پایبندی به این تکلیف اساساً شرط ایمان است (شریفی و اسلامی، 1391: 112).

روش تحقیق

در تحقیق حاضر برای پاسخگویی به این پرسش که ابعاد و مولفه‌های حقوق شهروندی در نهج البلاغه کدامند، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی روشی است که برای تفسیر محتوای داده‌های متنی (همچون یک کتاب) از طریق فرایند طبقه‌بندی منظم کدها و شناسایی الگوها به کار می‌رود (شی‌یه و شانون، 2005). رویکردهای موجود در زمینه تحلیل محتوای کیفی به سه دسته تقسیم می‌شوند: 1) تحلیل محتوای عرفی یا متعارف، 2) تحلیل محتوای جهت‌دار، و 3) تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی. تحلیل محتوای متعارف بیشتر زمانی ضرورت می‌یابد که اطلاعات کافی درباره یک پدیده وجود ندارد و محقق می‌خواهد دانش زمینه‌ای لازم را در این خصوص فراهم کند. این شیوه تحلیل محتوا بیشتر به دنبال تقلیل اطلاعات و ارائه توصیفی دقیق پیرامون یک موضوع است. در این جا هدف تحقیق استقرایی، کمک به پدید آمدن یافته‌های تحقیق از طریق توجه به مضامین مسلط و متداول در داده‌هاست (تبریزی، 1393: 123-122). گاه نظریه یا تحقیقات پیشین درباره یک پدیده مطرح است که یا کامل نیستند یا به توصیف‌های بیشتری نیازمندند. در این حالت محقق کیفی، روش تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار را برمی‌گزیند. هدف تحلیل محتوای جهت‌دار معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه و یا خود نظریه است. بدین ترتیب، تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار نسبت به دیگر روش‌های تحلیل محتوا از فرآیند ساختارمندتری برخوردار است (ایمان و نوشادی، 1390: 24). رهیافت سوم تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی است که با شمارش لغات یا محتوای آشکار آغاز می‌شود. سپس تحلیل به مفاهیم و مضامین پنهان گسترش می‌یابد (ابوالمعالی الحسینی، 1392: 90). در تحقیق حاضر از میان سه رویکرد فوق، تحلیل محتوای متعارف به عنوان روش تحقیق انتخاب شده است. در این رویکرد، نظریه‌های از پیش موجود جایگاهی ندارند و اطلاعات جمع‌آوری شده (چه متن کتاب و چه از طریق مصاحبه و...) از طریق تداعی معنا تحلیل می‌شوند. در این حالت، تحلیل داده‌ها با خواندن آنها به صورت مکرر آغاز می‌شود تا درکی کامل درباره آنها به دست آید. به بیان دیگر، محقق بر اساس ادراک و فهم خود از متن مورد مطالعه، نوشتن تحلیل اولیه را آغاز می‌نماید و با خواندن مکرر آن تحلیل خود را تکمیل می‌نماید (قهرمان و کشاورز، 1395: 145). جامعه آماری تحقیق، تمامی خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه (ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی) است. واحد تحلیل نیز جملات خطبه‌ها و نامه‌ها هستند.

یافته‌ها

توجه به حقوق شهروندی در هر جامعه‌ای باعث قوام، مشروعیت و استمرار نظام سیاسی حاکم را فراهم خواهند آورد (آرایی و باصری، 1402). طبق دیدگاه امیر مومنان (ع) در نهج البلاغه حکومت فقط زمانی اعتبار می‌یابد که به وسیله‌ای در جهت تحقق اهداف الهی و انسانی و ابزار برپایی عدالت و رفاه همگانی و حفظ حرمت و حقوق انسانی و بستر تعالی آدمی، که همه از شاخصه‌های حقوق شهروندی است، باشد (محمدی مقدم و همکاران، 1400). امام علی (ع) در خطبه‌ها و نامه‌های خود، اصولی‌ترین و کامل‌ترین حق و حقوق شهروندی را به مخاطبان خود آموزش می‌دهد. ایشان با دقت و امعان نظر به بررسی حقوق شهروندی پرداخته و متدهای آموزشی آن را به نحو مطلوبی در نامه‌ها، خطبه‌ها و کلمات قصار خود به مخاطبان می‌نمایاند (شاهنده، 1401). در نهج البلاغه مفاهیم مختلفی در جاهای گوناگونی از جمله در خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها، به کار برده شده‌اند که ناظر به مفهوم حقوق شهروندی در جامعه اسلامی‌اند. بعضی از این مفاهیم در هر جا که به کار برده شده‌اند، منظور حضرت از آنها «شهروندان» بوده است، از جمله مفهوم «الرعیه» و کلمات همخانواده با آن. بعضی از این مفاهیم در برخی جاهایی که به کار رفته‌اند در معنای «شهروند و شهروندی» و در بعضی جاها به معنای دیگر و عام‌تری به کار رفته‌اند، مانند واژه‌های «الناس» و «الاهل» (کاوسی و نایی، 1394: 93). بیشتر مواردی که در نهج البلاغه از واژه «الرعیه» و سایر مشتقات آن استفاده شده، شامل توصیه‌های آن حضرت به کارگزاران حکومت درباره رعایت حقوق شهروندی مردم در جامعه اسلامی می‌باشد. این توصیه‌ها، با توجه به موقعیت زمانی و مکانی، متغیر و متنوع است. سایر موارد استفاده از این واژه نیز شامل مواردی از قبیل شرح حقوق متقابل رهبر و مردم و رعایت حق در جامعه و ثمرات این مسئله می‌باشد و در جایی نیز از رعایت به عنوان فرمانبرداران حکومت یاد شده است. علاوه بر واژه «الرعیه» که معنای شهروند را می‌دهد، واژه‌هایی مثل «الاهل» و «الناس» نیز در برخی موارد در معنای شهروند به کار رفته‌اند (عربی‌فر، 1389: 74).

با تحلیل محتوای خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه، مهمترین ابعاد حقوق شهروندی که قابل استخراج هستند، عبارتند از: حقوق سیاسی شهروندان، حقوق اجتماعی شهروندان، حقوق فرهنگی شهروندان، حقوق اقتصادی شهروندان، حقوق معنوی شهروندان، حقوق قضایی شهروندان. حال به توضیح هر یک از این حقوق از دیدگاه امام علی (ع) پرداخته می‌شود.

حقوق سیاسی شهروندان

یکی از مهمترین و اساسی‌ترین جنبه‌های حقوق سیاسی در نزد امام (علی) آن است که ایشان حاکمیت را از آن مردم می‌داند. در واقع از نظر ایشان، مردم صاحبان اصلی حکومت هستند. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «وصف بیعت بی‌همانند شما مردم! برای بیعت کردن به سوی من یورش آوردید، چونان مادران تازه زاییده که به طرف بچه‌های خود می‌شتابند. و پیاپی فریاد کشیدید: بیعت! بیعت! من دستان خویش فروبستم، اما شما به اصرار آن را گشودید، من از دست دراز کردن، سر باز زدم، و شما دستم را کشیدید» (خطبه 137).

از دیگر جنبه‌های حقوق سیاسی در نهج‌البلاغه، تاکید امام علی (ع) بر حقوق متقابل بین مردم و زمامداران حکومت است. از منظر ایشان در اسلام، مردم و حاکم نسبت به یکدیگر حقوق متقابل دارند و چنین نیست که حاکم فقط حکومت کند و مردم فقط اطاعت. (دلشاد تهرانی، 1389: 117-115).

امام علی (ع) در این مورد خطاب به مردم می‌فرماید: «ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من، آن که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم، و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید، و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید، و اما حق من بر شما این است که با من وفادار باشید، و در آشکار و نهان خیرخواهی کنید، هرگاه شما را فرا خواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید» (خطبه 34).

در مجموع، حضرت علی (ع) حقوق متقابل مردم و حاکمان را یکی از مهمترین حقوق شهروندان در هر جامعه‌ای می‌داند که در صورت تحقق آن، حکومت به درستی سر و سامان می‌گیرد و مهربانی، عزت و عاقبت بخیری همه‌جانبه و فراگیر شکل می‌گیرد.

امام علی (ع) یکی دیگر از جنبه‌های حقوق سیاسی را انتصاب افراد شایسته به امر حکومت می‌داند. در واقع، «از آنجایی که اداره‌کنندگان امور کشور پیشقراولان پاسداشت حقوق شهروندی هستند، باید شایسته‌ترین افراد را برای این امر برگزید، چرا که از کسی که شایستگی نداشته باشد، نمی‌توان انتظار اجرای حقوق شهروندی را داشت» (عباسی و همکاران، 1395: 17).

حقوق معنوی شهروندان

یکی از حقوق شهروندان، رفتار مناسب و انسانی با ایشان است. در دیدگاه امیرمومنان علی (ع) زمامداران و حاکمان، خدمتگزاران مردم هستند، چنانچه به درستی امور مردم را به انجام رسانند، به وظیفه خویش عمل نموده‌اند، هیچ گونه منتهی بر شهروندان ندارند به علاوه حاکمان وظیفه دارند با شهروندان مدارا کرده با ایشان نرم‌خو باشند و پیوسته در رفع نیازهای آنها بکوشند (خزائی، 1395: 75).

یکی از مهمترین جنبه‌های حقوق معنوی در کلام امام علی (ع)، حق برخورداری از احترام و محبت است. برخورد‌های دوستانه و سرشار از محبت و احترام یکی از اساسی‌ترین عواملی است که منجر به ارتباط و نزدیکی زمامداران و شهروندان با یکدیگر می‌شود. در این زمینه، امام علی (ع) در نامه 53 خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «قلب خویش را نسبت به ملت خود مملو از رحمت و محبت و لطف کن، و همچون حیوان درنده‌ای نسبت به آنان می‌باش که خوردن آنان را غنیمت شماری».

برخورد با نرم‌خویی و مدارا با شهروندان نیز از اساسی‌ترین جنبه‌های حقوق معنوی است که امیرمومنان علی (ع) در نهج‌البلاغه بدان پرداخته است. در این خصوص، ایشان نامه‌ای به محمد بن ابی بکر هنگامی که وی را به حکومت مصر منصوب کرد، بدین شرح نگاشت: «بال‌های محبتت را برای آنها بگستر! و پهلوی نرمش و ملایمت را بر زمین بگذار! چهره خویش را برای آنها گشاده دار، و تسلوی در بین آنها حتی در نگاه‌هایت را مراعات کن!» (نامه 27).

حفظ اسرار مردم یا شهروندان از سایر جنبه‌های حقوق معنوی شهروندان از دیدگاه امام علی (ع) در نظر گرفته شده است. «حفظ اسرار شهروندان باعث اعتماد مردم به کارگزاران و حکومت می‌شود؛ از این رو، کارگزاران باید در حفظ اسرار مردم کوشا باشند» (سبحانی‌نژاد و همکاران، 1392: 89). امیرمومنان در این زمینه به مالک اشتر می‌فرماید: «باید آنها که نسبت به رعیت عیب‌جو ترند از تو دورتر باشند زیرا، مردم عیوبی دارند که والی در ستر و پوشاندن آن عیوب از همه سزاوارتر است. (نامه 53).

آخرین جنبه از حقوق معنوی شهروندان در نهج‌البلاغه مربوط به ساده‌زیستی است. علی (ع) که الگوی زهد و قناعت و ساده‌زیستی است، هنگامی که با خیر شد کارگزارش «عثمان بن حنیف انصاری» در جشن عروسی جوانی بصری شرکت کرده که در آن مجلس بسیار ریخت و پاش شده، نامه‌ای به او نوشت و ضمن توبیخ او به

خاطر شرکت در آن مهمانی، زندگی خود را چنین توصیف کرد: «بدان امام شما از دنیایش به همین دو جامه کهنه و از غذاها به دو قرص نان اکتفا کرده است، آگاه باش! شما توانایی آن را ندارید که چنین باشید امام را با ورع، تلاش، عفت، پاکی و پیمودن راه صحیح یاری دهید، به خدا سوگند من از دنیای شما طلا و نقره‌ای نیندوخته‌ام، و از غنایم و ثروت‌های آن مالی ذخیره نکرده‌ام و برای این لباس کهنه‌ام بدلی مهیا نساختم‌ام و از زمین آن حتی یک وجب در اختیار نگرفته‌ام» (نامه 45).

حقوق اجتماعی شهروندان

حقوق اجتماعی، به حقوق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از کمترین حقوق استاندارد رفاه اجتماعی گفته می‌شود. در واقع، حقوق اجتماعی به خدمات رفاهی مربوط می‌شود (گیدنز، 2009). تحلیل و کنکاش در متن نهج‌البلاغه بیانگر آن است که امیر مومنان علی (ع) به حقوق اجتماعی شهروندان توجه زیادی داشته‌اند. تأمین امنیت شهروندان در مقابل اشرار و دشمنان داخلی و خارجی یکی از مهمترین وظایف دولت‌ها تلقی می‌شود. وجود امنیت یکی از زمینه‌های اصلی ایجاد تعادل و اجرای عدالت در جامعه و ارتقای حقوق شهروندی است. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «مردم به زمامداری نیازمندند خواه نیکوکار باشد یا بدکار، تا مؤمنان در سایه حکومتش به کار خویش مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند، و مردم در دوران حکومت او، زندگی را طی کنند و به وسیله او اموال بیت‌المال جمع‌آوری گردد، و به کمک او با دشمنان مبارزه شود، جاده‌ها امن و امان، حق ضعیفان از نیرومندان گرفته شود، نیکوکاران در رفاه و از دست‌بدکاران، مردم در امان باشند» (خطبه 40). عبارات مزبور نشان‌دهنده آن است که یکی از اهداف اصلی حکومت، تأمین امنیت برای شهروندان، به ویژه شهروندان ضعیف و ناتوان جامعه اسلامی است.

برقراری عدالت اجتماعی در بین مردم یکی دیگر از جنبه‌های حقوق اجتماعی شهروندان در نهج‌البلاغه است. «امام علی (ع) عدالت را تساوی و برابری حق افراد (در شرایط برابر) تعریف نموده و معتقد است که بنا بر اصل تساوی افراد در خلقت، آزادی و مساوات یک حق بشری و الهی برای همه شهروندان است» (کاوسی و نایی، 1394: 105). ایشان در توزیع یا تقسیم بیت‌المال با عدالت تمام رفتار می‌کردند و در این بین فرقی بین فرزندان، نزدیکان و بزرگان قریش قائل نمی‌شدند. به طوری که ایشان در مقابل پسر عموی خود عقیل که درخواست یک من گندم از بیت‌المال داشت حاضر نشدند درخواست عقیل را قبول کنند (خطبه 224).

عمران و آبادانی شهرها از دیگر جنبه‌های حقوق شهروندی اجتماعی در نهج‌البلاغه است که امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر بدان پرداخته است. عمران و آبادی شهرها و روستا یکی از مهمترین وظایف دولت‌هاست که منجر به افزایش رفاه اجتماعی در جامعه می‌شود. (نامه 53).

از دیگر جنبه‌های حقوق اجتماعی شهروندی در نهج‌البلاغه، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه است. به طوری که در حکومت امام علی (ع) تأمین و رفاه اقشار آسیب‌پذیر جامعه از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. ایشان در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «خدا را، کسانی که راه چاره ندارند یعنی مستمندان و نیازمندان و تهیدستان و از کار افتادگان، در این طبقه هم کسانی هستند که دست سؤال دارند و هم افرادی که باید به آنها بدون پرسش، بخشش شود، بنابراین به آنچه خداوند در مورد آنان به تو دستور داده عمل نما.» (نامه 53).

آخرین جنبه از حقوق اجتماعی شهروندان در نهج‌البلاغه مربوط به مشارکت مردم یا شهروندان در امور مختلف است. «امام علی (ع) ضمانت احقاق شهروندی را به میزان مشارکت فعال شهروندان در عرصه شهروندی نسبت داده‌اند و تحقق‌پذیری حکومت و آرمان‌های آن را در گرو نقش مردم و پیروی همگان از قوانین دولت معرفی کرده‌اند» (پاکشیر و برزگر، 1394: 108).

حقوق فرهنگی شهروندان

حقوق فرهنگی به معنای پذیرش و به رسمیت شناختن هویت‌های گروه‌های مختلف اجتماعی بدون ایجاد موانعی برای بازنمایی هویت‌ها یا تحریف و تحقیر آنها است (استیونسون، 2003). حقوق فرهنگی برای صلح، همبستگی اجتماعی، روابط مسالمت‌آمیز، احترام و پذیرش متقابل افراد و گروه‌ها ضمن حفظ تنوع قومی و مذهبی ضروری است (تترولت، 2013). حقوق فرهنگی مردم یکی از مهمترین ابعاد حقوق شهروندی افراد است که چند هزار سال پیش مورد توجه امیرمومنان علی (ع) بوده است. از جمله جنبه‌های حقوق فرهنگی مورد اشاره در نهج‌البلاغه، می‌توان به حق تحصیل علم یا دانش‌اندوزی، حق برخورداری شهروندان از آزادی بیان و عقیده، و پذیرش تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی اشاره نمود.

حق دانش‌اندوزی و کسب علم یکی از جنبه‌های حقوق فرهنگی شهروندان است که ایشان تأکید فراوانی بر آن داشته‌اند. در واقع، می‌توان گفت که امام علی (ع) یکی از موانع عدم تحقق حقوق شهروندی را جهل یا نادانی شهروندان می‌داند. ایشان در بخشی از خطبه 34 می‌فرماید: «حق شما بر من آن است که شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید». یا در خطبه 105 می‌فرماید: «در فرا گرفتن دانش بکوشید پیش از آن که درخت آن

بخشکد، و پیش از آن که به خود مشغول گردید (و در دنیا فرو روید) از معدن علوم، دانش استخراج کنید». همچنین در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرماید: «با دانشمندان زیاد به گفتگو بنشین و با حکماء و اندیشمندان نیز بسیار به بحث پرداز. این گفتگوها و بحث‌ها باید درباره اموری باشد که به وسیله آن وضع کشور را اصلاح می‌کند و آنچه موجب قوام کار مردم پیش از تو بوده است» (نامه 53).

از دیگر جنبه‌های حقوق فرهنگی شهروندان، برخورداری شهروندان از آزادی بیان و عقیده است. آزادی در اظهار عقیده و ابراز آن، آزادی انتقاد، آزادی ابراز موضع سیاسی و غیره از مصادیق آزادی بیان می‌باشد. امام علی (ع)، در دوره حکومت خود نه تنها آزادی بیان را محدود نکرد، بلکه با صراحت بر گسترش این آزادی تأکید ورزید و فرمود: «آن گونه که با زمامداران ستمگر سخن می‌گوئید با من سخن مگوئید، و آنچنان که در پیشگاه حکام خشمگین و جبار خود را جمع و جور می‌کنید، در حضور من نباشید و به طور تصنعی (و منافقانه) با من رفتار نمائید، و هرگز گمان میرید در مورد حقی که به من پیشنهاد کرده‌اید ناراحت شوم» (خطبه 216). از مقلاتی که در زمینه آزادی بیان در نهج البلاغه می‌توان استفاده کرد، امر به معروف و نهی از منکر است. معروف و منکر را نباید تنها در محدوده مسائل فردی و اجتماعی دید، بلکه در همه زمینه‌ها از جمله مسائل سیاسی این اصل جایگاه دارد. امیرمؤمنان علی (ع) تأکید خاصی روی امر به معروف و نهی از منکر داشتند. به طوری که سفارش پایانی عمر امام همین فریضه است: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشرار بر شما مسلط می‌شوند سپس هر چه دعا کنید مستجاب نمی‌گردد» (نامه 47).

پذیرش تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی از دیگر جنبه‌های حقوق فرهنگی شهروندان در اندیشه امام علی (ع) است. ایشان برخورد عادلانه و به دور از تبعیض را در خصوص این گروه‌ها لازم می‌دانستند. به طوری که امام در نامه 53 خود می‌فرماید: «ای مالک مردم از گروه‌های مختلف تشکیل یافته‌اند که هر کدام جز به وسیله دیگری اصلاح و تکمیل نمی‌شوند، و هیچ‌کدام از دیگری بی‌نیاز نیستند. (این گروه‌ها عبارتند از: لشکریان خدا، نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات عالی و دادگستر، عاملان انصاف و مدارائی (انتظامات داخلی)، اهل جزیه و مالیات اعم از کسانی که در پناه اسلامند و یا مسلمانند و تجار و صنعت‌گران و بالاخره قشر پائین یعنی نیازمندان و مستمندان، برای هر کدام از این گروه‌ها خداوند سهمی را مقرر داشته و در کتاب خدا، یا سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که به صورت عهد در نزد ما محفوظ است این سهم را مشخص و معین ساخته است».

حقوق اقتصادی شهروندان

تنظیم نظام اقتصادی از مهمترین راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی است. اسلام به عنوان یک مکتب زندگی‌ساز ضمن توجه جدی به این مسئله مهم، قوانینی را وضع نموده که در پرتو آن عدالت اقتصادی تأمین گردد (خزائی، 1395: 80). امام علی (ع) نیز در پرتو این آموزه‌های اسلامی، در نهج البلاغه مطالبی را در جهت تحقق حقوق اقتصادی شهروندان مطرح کرده‌اند. ایشان افزایش درآمد و رفاه مردم، توزیع و تقسیم عادلانه بیت‌المال و گردش سرمایه را مهمترین راه‌های تأمین حقوق اقتصادی شهروندان بیان کرده‌اند.

امام علی (ع) افزایش درآمد و رفاه مردم را حق مردم بر حاکمان می‌داند و در خطبه 34 می‌فرماید: «حق شما بر من آن است که بیت‌المال شما را در راه شما صرف کنم». از راه‌هایی که ایشان در جهت افزایش رفاه و درآمد مردم به کار می‌برد این بود که در زمان سختی‌ها و مشکلات، زمامداران باید میزان مالیات را تخفیف می‌دادند. حضرت در نامه خود خطاب به مالک اشتر بیان می‌دارد: «خراج و مالیات را دقیقاً زیر نظر بگیر! به گونه‌ای که صلاح مالیات‌دهندگان باشد. اگر رعایا از سنگینی مالیات، و یا رسیدن آفات، یا خشک شدن آب چشمه‌ها، و یا کمی باران و یا دگرگونی زمین در اثر آب گرفتن و فساد بذرها، و یا تشنگی بسیار برای زراعت و فاسد شدن آن به تو شکایت آورند. مالیات را به مقداری که حال آنها بهبود یابد تخفیف ده» (نامه 53).

امام علی (ع) توجه ویژه‌ای به توزیع و تقسیم عادلانه بیت‌المال داشت. به طوری که در آغاز خلافتش هنگامی که عطایای عثمان را به بیت‌المال برگرداند، فرمود: «به خدا سوگند آنچه از عطایای عثمان، و آنچه بیهوده از بیت‌المال مسلمین به این و آن بخشیده، اگر بیابم، به صاحبش باز می‌گردانم» (خطبه 15). «بر اساس دیدگاه امام علی (ع) حکومت می‌باید از جمع شدن ثروت در دست عده‌ای جلوگیری کند و آن را به شکل مساوی میان همه شهروندان تقسیم نماید. توزیع برابر مالیات میان مردم و جلوگیری از دخل و تصرف عده‌ای محدود در بیت‌المال روش عدالت اقتصادی مورد نظر علی (ع) است که بدان وسیله رفاه عموم مردم تأمین شده و حقوق اقتصادی آنها برآورده می‌شود» (کاوسی و نایی، 1394: 108). برای مثال ایشان در نامه‌ای به «زیاد بن ابیه» می‌فرماید: به خداوند، سوگند یاد می‌کنم اگر گزارش رسد که از غنائم و بیت‌المال مسلمین چیزی کم یا زیاد به خیانت برداشته‌ای، آنچنان بر تو سخت بگیرم که در زندگی کم بهره و بی‌نوا و حقیر و ضعیف شوی» (نامه 20). یا در نامه خود به یکی از فرماندارش می‌نویسد: «آگاه باش حق مسلمانانی که نزد من و یا پیش تو هستند در تقسیم این اموال مساوی است، باید همه آنها به نزد من آیند و سهمیه خود را از من بگیرند» (نامه 43).

در اسلام با بررسی موارد و نمونه‌هایی چون زکات، خمس، مالیات، مضاربه و نظایر آنها، نهادهای اقتصادی که در فقه اسلامی پیش‌بینی شده‌اند، امکان راه‌اندازی و به گردش درآوردن سرمایه به وسیله عواملی غیر از سرمایه‌دار انجام می‌گیرد و سود حاصل به طور عادلانه در میان اقشار مختلف توزیع می‌شود (عمیدزنجانی، 1384، ج 4: 121). امیرمومنان علی (ع) نیز اخذ مالیات و گرفتن زکات را یکی از مهمترین راه‌های افزایش حقوق اقتصادی شهروندان می‌دانند. ایشان در سفارش‌هایشان به ماموران جمع‌آوری زکات می‌فرمایند: «هر چه جمع‌آوری کردی فوراً به سوی ما روانه ساز تا آنها را در مصارفی که خداوند فرمان داده است مصرف کنیم» (نامه 25).

حقوق قضایی شهروندان

برقراری عدالت در دستگاه قضایی علاوه بر مقررات و قوانینی که مربوط به شخص قاضی می‌شود، نیاز به بازرسی و نظارت بر کار قضاوت دارد. دستگاه قضایی عهده‌دار مجازات مجرمان است، تا شهروندان در امنیت قرار گیرند و از آزار و اذیت متجاوزان به حقوق اجتماعی محفوظ بمانند. اگر فساد و عمل به ناحق از آن دیده شود، از دیگر ارگان‌های جامعه نمی‌توان انتظار داشت (خزائی، 1395: 82). بنابراین، رسیدگی و نظارت بر رفتار متولیان امور قضایی هم باید از سوی نظام اسلامی صورت گیرد و هم از سوی مردم. امام علی (ع) نیز نظارت مستمری بر روی مسئولان قضایی داشت و حتی افرادی را نیز برای این کار مامور کرده بود. برای مثال؛ امیرمومنان علی (ع) وقتی که متوجه شدند یکی از قاضیان خود یعنی «شریح ابن حارث» خانه‌ای به قیمت 80 دینار خریده بود ایشان را احضار نمود و فرمود: «ای شریح بنگر این خانه را از ثروت غیر خود نخریده، و یا بهای آن را از غیر مال حلال خود نپرداخته باشی که هم در دنیا و هم در آخرت خود را زیانکار کرده‌ای آگاه باش» (نامه 3).

یا در نامه خود به مالک اشتر می‌فرمایند: «از میان مردم، برترین فرد، در نزد خود را برای قضاوت برگزین. از کسانی که مراجعه فراوان آنها را در تنگنا قرار ندهد. و برخورد مخالفان با یکدیگر او را بخشم و کج‌خلقی و ندارد. در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق، هنگامی که برای آنها روشن شد، بر آنها سخت نباشد. طمع را از دل بیرون کرده، و در فهم مطالب به اندک تحقیق، اکتفا نکند، از کسانی که در شبهات از همه محتاط تر، و در یافتن و تمسک به حجت و دلیل از همه مصرتر باشند.» (نامه 53).

در انتها، در جدول شماره 1، مهمترین یافته‌های تحقیق در زمینه ابعاد و مولفه‌های حقوق شهروندی در نهج البلاغه از منظر امیرمومنان علی (ع) نشان داده شده است.

جدول 1. ابعاد و مولفه‌های حقوق شهروندی در نهج البلاغه

ابعاد	مولفه‌ها
حقوق اجتماعی شهروندان	<ul style="list-style-type: none"> - حق برخورداری شهروندان از امنیت؛ - برقراری عدالت اجتماعی در بین شهروندان؛ - عمران و آبادانی شهرها و روستاها؛ - حمایت از اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی؛ - مشارکت مردم یا شهروندان در امور مختلف؛
حقوق سیاسی شهروندان	<ul style="list-style-type: none"> - به رسمیت شناختن حق حاکمیت مردم؛ - حقوق متقابل شهروندان و حاکمان؛ - انتصاب افراد شایسته بر امر حکومت در جهت احقاق حقوق مردم؛
حقوق فرهنگی شهروندان	<ul style="list-style-type: none"> - حق تحصیل علم یا دانش‌اندوزی شهروندان؛ - حق برخورداری شهروندان از آزادی بیان و عقیده؛ - پذیرش تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی شهروندان؛
حقوق اقتصادی شهروندان	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش درآمد و رفاه شهروندان؛ - توزیع و تقسیم عادلانه بیت‌المال؛ - گردش سرمایه از طریق اخذ زکات و مالیات؛
حقوق معنوی شهروندان	<ul style="list-style-type: none"> - حق برخورداری شهروندان از احترام و محبت؛ - برخورد با نرم‌خویی و مدارا با شهروندان؛ - رفتار درست و انسانی با مردم یا شهروندان؛ - حفظ اسرار مردم یا شهروندان؛ - ساده‌زیستی؛

نتیجه‌گیری

کتاب گرانبهای امیرمومنان علی (ع) یکی از غنی‌ترین کتب و منابع اسلامی است که با گذشت چندین هزار سال از تاریخ نوشتن آن، لزوم توجه و استفاده از مضامین در تمامی زمینه‌های فردی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بیش از پیش احساس می‌شود. تحلیل خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (ع) بیانگر آن است که در نهج‌البلاغه توجه و آفری به مفهوم حقوق شهروندی شده است. مهمترین ابعاد حقوق شهروندی که در نهج‌البلاغه به آنها پرداخته شده اما در نظریات معاصر حقوق شهروندی همچون نظریه مارشال به بخشی از آنها پرداخته شده و به بخشی از آنها پرداخته نشده است، عبارتند از: حقوق اجتماعی شهروندان، حقوق سیاسی شهروندان، حقوق اقتصادی شهروندان، حقوق فرهنگی شهروندان، حقوق معنوی شهروندان، و حقوق قضایی شهروندان. هر یک از این ابعاد برخوردار از یکسری مولفه‌هایی هستند. مولفه‌های حقوق اجتماعی شهروندان عبارتند از: حق برخورداری شهروندان از امنیت؛ برقراری عدالت اجتماعی در بین شهروندان؛ عمران و آبادانی شهرها و روستاها؛ حمایت از افشار آسیب‌پذیر اجتماعی؛ و مشارکت مردم یا شهروندان در امور مختلف. مولفه‌های حقوق سیاسی شهروندان عبارتند از: به رسمیت شناختن حق حاکمیت مردم؛ حقوق متقابل شهروندان و حاکمان؛ و انتصاب افراد شایسته بر امر حکومت در جهت احقاق حقوق شهروندان. مولفه‌های حقوق فرهنگی شهروندان عبارتند از: حق تحصیل علم یا دانش‌اندوزی شهروندان؛ حق برخورداری شهروندان از آزادی بیان و عقیده؛ و پذیرش تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی شهروندان. مولفه‌های حقوق اقتصادی شهروندان عبارتند از: افزایش درآمد و رفاه شهروندان؛ توزیع و تقسیم عادلانه بیت‌المال؛ و گردش سرمایه از طریق اخذ زکات و مالیات. مولفه‌های حقوق معنوی شهروندان عبارتند از: حق برخورداری شهروندان از احترام و محبت؛ برخورد با نرم‌خویی و مدارا با شهروندان؛ رفتار درست و انسانی با مردم یا شهروندان؛ حفظ اسرار مردم یا شهروندان؛ و ساده‌زیستی. مولفه‌های حقوق قضایی شهروندان عبارت است از: نظارت بر رفتار متولیان و مسئولان امور قضایی در جهت احقاق حقوق شهروندان. در مجموع می‌توان گفت که امام علی (ع) علاوه بر این که نگاه جامع و فراگیری به مفهوم حقوق شهروندی دارد و به نوعی می‌توان گفت که تمامی شاخص‌ها و ابعاد شهروندی مدرن را در نهج‌البلاغه ذکر نموده‌اند؛ دستورالعمل‌هایی به صورت عملی و دقیق در آن نیز برای اجرای این ابعاد حقوق شهروندی بیان شده است. لذا؛ ضروری است که در کشورهای اسلامی به ویژه در ایران، در تدوین و اجرای منشور حقوق شهروندی از ابعاد و جنبه‌های مورد تاکید امام علی (ع) در خصوص حقوق شهروندی استفاده شود.

منابع

- نهج البلاغه
- آرای، وحید و باصری، علی (1402). سیاست‌گذاری فرهنگ حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران، مجله مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره 12، شماره 1، 49-63.
- ابوالمعالی الحسینی، خدیجه (1392)، «تحلیل کیفی متن: استقرا/قیاس»، مطالعات معارف اسلامی و علوم تربیتی، سال اول، شماره 1.
- احمدپور، ایوب (1387)، «درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در اسلام»، پژوهش‌های اسلامی، سال دوم، شماره 3.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا (1390)، «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، سال سوم، شماره 2.
- آراسته، حمیدرضا؛ عنایتی، ترانه و نظامتی‌پایانی، یوسف (1389)، «بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی با تأکید بر نقش برنامه درسی»، مطالعات برنامه درسی، سال چهارم، شماره 16.
- بهروزلک، غلامرضا (1387)، «کرامت انسانی و شهروندی متعهد در دولت کریمه»، انتظار موعود، سال هشتم، شماره 25 و 26.
- پاکشیر، عبدالرضا و برزگر، سپیده (1394)، «مبانی احقاق حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، سال دوم، شماره 7.

- تبریزی، منصوره (1393)، «تحلیل محتوای میفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی»، علوم اجتماعی، سال بیستم و یکم، شماره 64.
- خزائی، احمدرضا و مرادخانی، احمد (1394)، «زمینه‌های حقوق شهروندی در قرآن»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره 17.
- خلعتبری لیمائی، حسام‌الدین و جعفری نسب، سیدحسین (1397). نقش مبانی سیاست اسلامی در تبیین حقوق شهروندی، مجله اخلاق زیستی، دوره 8، شماره 1، 69-82.
- جعفری نسب، سیدحسین و خلعتبری لیمائی، حسام‌الدین (1398). تبیین نقش مبانی انسان‌شناختی سیاست سکولار در تحقق حقوق شهروندی و مقایسه آن با مبانی اسلام، مجله اخلاق زیستی، دوره 9، شماره 1، 75-91.
- دبیرنیا، علیرضا و شجاعی، عبدالسعید (1400). رابطه حقوق بشر و حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله حقوق اسلامی، دوره 18، شماره 70، 143-164.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (1389)، حکمت حکومت، تهران: دریا.
- رمضان مقدم و اجاری، یاسمن و جانی‌پور، مجتبی (1396)، «رابطه عوامل اجتماعی و آگاهی از قوانین با آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر رشت»، مطالعات جامعه‌شناسی، سال نهم، شماره 34.
- شارع‌پور، محمود و شعبانی، مریم (1395)، «تحلیلی جامعه‌شناختی از میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهری»، توسعه اجتماعی، سال دهم، شماره 3.
- شاهنده، آمنه (1401). تعالی حقوق شهروندی؛ جستاری در مولفه‌های حقوق شهروندی در آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه، مجله پژوهش‌های نهج البلاغه، دوره 21، شماره 73، 123-139.
- شریفی، اصغر و اسلامی، فاطمه (1391)، «بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان)»، مطالعات برنامه‌درسی آموزش عالی، سال سوم، شماره 6.
- شیبانی، ملیحه (1381)، «تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، جامعه‌شناسی ایران، سال چهارم، شماره 3.
- صداقت، قاسم‌علی و جهان‌بین، عبدالله (1391)، «تعهدات ایجابی دولت در برابر شهروندان از دیدگاه امام علی (ع)»، معرفت حقوقی، سال اول، شماره 3.
- عباسی، محمود؛ کلهرنیا گلکار، میثم و صدر طباطبایی، سیدمحمدعلی (1395)، «تاملی بر جلوه‌های حقوق شهروندی در آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه»، اخلاق زیستی، سال ششم، شماره 21.
- عربی‌فر، مهدیه (1389)، «مفهوم و حقوق شهروندی در نهج البلاغه»، معرفت، سال نوزدهم، شماره 153.
- عمیدرنجانی، عباس‌علی (1384)، فقه سیاسی (اقتصاد سیاسی)، تهران: امیرکبیر.
- قدیری، طاهره؛ حیدرپور، ماشاء اله و ترابی، محمد (1401). تحلیل و ارزیابی عملکرد آموزش و پرورش در ارتقاء حقوق اجتماعی و شهروندی در ایران در پرتو نظریه ساخت یابی، مجله جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره 5، شماره 12، 53-71.
- قنبری، مهدی (1399). درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در پرتو حقوق عمومی اسلامی، مجله فقه و تاریخ تمدن، دوره 6، شماره 4، 7-15.
- قهرمان، میثم و کشاورز، هادی (1395)، «تحلیل محتوای کیفی الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه امام خمینی»، دانش سیاسی، سال دوازدهم، شماره 1.
- کاستلز، استفان و دیویدسون، الیستر (1382)، مهاجرت و شهروندی، ترجمه: فرامرزی‌لو، تهران: پژوهشکده راهبردی.
- کاوسی، اسماعیل و نایی، محسن (1394)، «راهکارهای ارتقای حقوق شهروندی از منظر حضرت علی (ع)»، حقوق اداری، سال دوم، شماره 7.
- کوثری داریانی، ساناز؛ شیعه، اسماعیل و حبیب، فرح (1401). سنجش تاثیر کیفیت فیزیکی-کالبدی محیط شهری بر ارتقای حقوق شهروندی در کلان شهر شیراز، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره 12، شماره 3، 797-820.

- محمدی فر، نجات؛ شهرام نیا، امیرمسعود؛ مسعودنیا، حسین و حاتمی، عباس (1396). بررسی رابطه میان استیفای حقوق شهروندی با نوع مشارکت سیاسی در شهر اصفهان، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، دوره 28، شماره 2، 147-162.
 - محمدی مقدم، سنبل؛ بهره مند، مهدی و افضل‌گروه، روح الله (1400). جایگاه عرف در تبیین حقوق شهروندی از نظر فقه اسلام با تاکید بر نهج‌البلاغه، پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره 11، شماره 4، 265-239.
 - مسکویکان، وحید؛ حسین گلی، اسماعیل؛ هوشیار، نادر و ابراهیمی فر، طاهره (1401). مطالعه تطبیقی حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران و کشور ترکیه، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره 5، شماره 12، 3649-3677.
 - وزیری، مزده و جهانی، شیدا (1385)، «مهارت‌های شهروندی مورد نیاز دانش‌آموزان دبستان‌های شهرستان زلزله‌زده بم، نوآوری‌های آموزشی، سال پنجم، شماره 17.
 - هزارجریبی، جعفر و امانیان، ابوالفضل (1390)، «آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل موثر بر آن»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره 9.
-
- Ernst Hirsch Ballin. (2014). Citizens' Rights and the Right to Be a Citizen. Martinus Nijhoff Publishers.
 - Isin, E. F., & Turner, B. S. (2002). Handbook of citizenship studies. Sage.
 - Joppke, C. (2007). Transformation of Citizenship: Status, Rights, Identity. Citizenship Studies, 11(1), 37–48. <https://doi.org/10.1080/13621020601099831>
 - Giddens. A. (2009). Sociology 6th Edition, Blackwell Pub.
 - Hsieh, H. F., Shanon, S. E. (2005), Three Approaches to Content Analysis, Qualitativr Health Research, Vol. 15, No.9.
 - Marshal, T. H. (1964). Class, Citizenship & Social Development. New York: Doubleday & Company, Inc.
 - Marshall, T. M. (1994). Citizenship and Social Class. In B.S.Turner & P.Hamilton, Citizenship: Critical Concepts. London: Routledge.
 - Stevenson, N. (2003). Cultural citizenship: cosmopolitan qustions, Open University Press.
 - Tetreault, C. (2013). Cultural citizenship in France and le Bled among teens of pan-southern immigrant heritage, Language & Communication, Vol. 33, No. 4.